

درباره تروریسم

مصاحبه مجله سروش با

پرویز ملک‌پور

س- با تشکر از جنابعالی که در این مصاحبه کوتاه شوکت کردید لطفاً نظر خود را در رابطه با عمل ایادی مزدور امریکا و ترورشخصیت‌ها و انفجار و هم‌چنین نقش مخالفین جمهوری اسلامی ایران که دست به قیام مسلحانه زده‌اند در ارتباط با توطئه‌های داخلی و خارجی تشریح بفرمائید.

ج- به خشنودی اهورامزدا - تروریسم و خرابکاری حتی در شرایط حاکمیت دشمنان مردم هم نمی‌تواند روشی ثمربخش باشد. تجربه‌ی دوران تسلط محمدرضا و بخصوص حوادث سال‌های آخر حکومت او به‌خوبی ثابت کرد که تروریسم پدیده‌ای منفی در مبارزات اجتماعی است. مبارزه راه و رسمی دارد. قبل از همه مردم باید به این مبارزه اعتقاد داشته باشند و بالاتر از آن، به این مبارزه یاری برسانند و تجربه نشان داده است که مردم هرگز از تروریسم و خرابکاری پشتیبانی نکرده‌اند. در شیوه‌ی تروریسم و خرابکاری، چندجنبه‌ی منفی وجود دارد:

۱- تروریسم اصولاً یک شیوه‌ی روشنفکرانه و ناشی از ناشکیبایی قشرهای متوسط جامعه است. کسانی که از هر حادثه به هیچان می‌آیند و هر پدیده‌ای را با معیار احساسی خود، به‌سراسر جامعه تعمیم می‌دهند، یک پیش‌آمد گذرا را به‌معنای پیروزی کامل نور و پیش‌آمدی دیگر را به مفهوم تسلط بی‌پایان ظلمت می‌بینند، نمی‌توانند در راه و روش خود به تجلیلی علمی و منطقی برسند. این‌ها کار دراز-مدت و پرحوصله مبارزه را نمی‌پسندند و اصولاً یارای تحمل آن را ندارند، می‌خواهند یک شبه همه کارها درست شود و نمایندگان فکری آن‌ها بر مسند قدرت بنشینند و وقتی که جریان قانونمند جامعه را مخالف آرزوها و خواست‌های خود می‌بینند، توان تحمل حوادث را از دست می‌دهند و به‌آنارشیسم و تروریسم رو

می آورند.

۲- تروریسم و خرابکاری جریانی کوراست. هدف خود را انتخاب نمی کند و خشک و تر را باهم می سوزاند. حتی در مواردی هم که هدف به طور مشخص انتخاب شده باشد، به دلیل این که معیار قضاوت در اختیار یک یا چند نفر است غالباً معلوم می شود که این «قاضی‌ها» در قضاوت اصلی خود گمراه بوده اند. از این گذشته تروریسم تقریباً نمی تواند به منابع اصلی دشمنان خود دست یابد و به ناچار به جنبه های درجه دوم و سوم می پردازد و همراه با آن مردم بی گناه را هم قربانی می کند.

۳- اندیشه هایی که منجر به جریان تروریسم و خرابکاری می شود، اندیشه های غیر علمی و نا بخردانه مربوط به اقشار میانه حال است. آن ها نقش شخصیت ها و افراد را خیلی بیش از آنچه در واقع وجود دارد، می دانند و گمان می کنند که بودن یا نبودن فلان یا بهمان شخصیت است که می تواند حاکمیتی را نگه دارد و یا از بین ببرد. به همین مناسبت، اگر حتی در اندیشه دشمنی خود با حاکمیت حق هم داشته باشند، با این روش های خود، مبارزه مردم را از مسیر آگاهانه خود منحرف می کنند، به مردم امیدهای واهی می دهند و آن ها را از راه اصلی مبارزه آگاهانه خود دور می کنند.

۴- تروریسم و خرابکاری، حاکمیت را به عکس العمل وامی دارد؛ حاکمیت حتی اگر ناحق هم باشد، برای بقای خود دست به عمل متقابل می زند و در نتیجه از آن طرف هم خشک و تر می سوزند. در زمان شاه ملعون دیدیم که دستگاه جهنمی سازمان امنیت، همه مخالفین خود را و همه کسانی را که در مظان مبارزه با دستگاه بودند و حتی ناراضیان ساده را به عنوان مبارزه با تروریسم نابود می کرد و در نتیجه، روش نادرست تروریسم و خرابکاری، به مبارزه اصیل مردم علیه حکومت جبار شاه لطمه می زد. تازه این ها مربوط به شرایطی است که اصل مبارزه با حاکمیت حق باشد. ولی امروز حاکمیت با چه کسانی است؟ من نمی خواهم بگویم که آنچه در حاکمیت می گذرد کاملاً و صد درصد درست است. تجربه دو سال و نیمه بعد از انقلاب نشان داد که نیروهای انقلابی نتوانستند به درستی دوست و دشمن خود را

بشناسند. وجود دولت موقت، انتخاب بنی‌صدر برای ریاست‌جمهوری، وزرای‌خارجہ رنگارنگی که قبل از نخست‌وزیری آقای رجایی داشتیم، نفوذی که عناصر ضدانقلاب در دستگاه‌های خبری و تبلیغاتی، از روزنامه‌ها تا رادیو و تلویزیون داشتند و... به اندازه کافی قانع‌کننده است که نیروهای اصلی انقلاب تا چه حد دچار اشتباه شده‌اند. ساده‌لوحی است اگر خیال کنیم که این جریان تمام شده است و دیگر عناصر ضدانقلابی از همه دستگاه‌های دولتی و نهادهای انقلابی کنار رفته‌اند و افراد سالم و بی‌غرض انقلابی به جای آن‌ها نشسته‌اند. ولی مطلب بر سر آنست که این انقلاب متعلق به مردم است و همین مردم هم از آن پاسداری می‌کنند. مردم در تجربه انقلابی خود به تدریج دشمنان خود را می‌شناسند و آن‌ها را کنار می‌زنند. مفهوم جامعه انقلابی همین‌هم است که در جریان تداوم خود هر روز عمیق‌تر می‌شود و دو رویان و نیمه‌راهان را از خود دفع می‌کند. این‌هاست دلایل آن که مردم از حکومت محصول انقلاب دفاع می‌کنند و طبیعی است که در چنین شرایطی، تروریسم و خرابکاری اگرچه به انقلاب زخم می‌زند، مسلماً انقلاب را از حرکت اصلی خود باز نمی‌دارد. ولی در این‌جا باید به نکته‌ای اشاره کنم: انقلاب نباید در هیچ شرایطی دشمن اصلی خود امپریالیسم آمریکا و ایادی مستقیم آن را فراموش کند. این خود یکی از شگردهای امپریالیسم است که با سوءاستفاده از اشتباه‌ها و کمبودهایی که در درون نهادهای انقلابی است، کوشش کند تا بسیاری از نیروهای بالقوه انقلابی را در برابر انقلاب قرار دهد. باید توجه داشته باشیم که این‌جوانان، معصوم و فیلسوف و پرتجربه نیستند که بتوانند عمده‌ها را از غیر عمده تشخیص دهند. این‌ها با دیدن هر نارسایی کوچکی به هیجان می‌آیند و برانگیخته می‌شوند و می‌توانند وسیله‌ای برای امیال دشمنان انقلاب باشند. ضدانقلاب واقعی در داخل کشور هنوز ساواکی‌ها، سلطنت‌طلبان، ایادی مستقیم آمریکا و جاده صاف‌کن‌های آن‌ها هستند، نه جوانان کم‌سال هیجان‌زده و بی‌تجربه. آن‌ها را باید تعقیب کرد و این‌ها را هدایت. مواظب باشیم که درگیری با این نیروهای گمراه، ضدانقلاب اصلی را از زیر ضربه خارج نکند.

س- روز ۱۶ مردادماه چهارمین روز شهادت ۷۲ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و وزیران و دیگر برادران مؤمن به انقلاب است. در این رابطه چه خاطره‌ای از شهدای هفتم تیرماه به یاد دارید؟

ج- از بسیاری از شهدای هفتم تیرماه خاطرات تلخ و شیرینی دارم. بگذارید فقط از يك مورد فعلاً یاد کنم. از شهید مظلوم بهشتی. به خاطر بعضی دشواری‌هایی که برای زرتشتیان پیش آمده بود پیش ایشان رفته بودم. به ایشان توضیح دادم که زرتشتیان و بخصوص مردم زحمتکش آن به این انقلاب دل بسته‌اند و با تمام توان خود از آن پشتیبانی می‌کنند. اگر این انقلاب پیروز شود و اگر آرمان‌های عدالت‌خواهانه و انسانی آن به کرسی بنشینند، زرتشتیان هم همراه همه مردم انقلابی ایران از نعمات آن بهره خواهند برد. بنابراین دلیلی ندارد که گاهی و در بعضی از نهادها و به وسیله بعضی افراد، خط انقلاب و ضدانقلاب را از میان مناهب بگذرانند و مثلاً به عنوان پاکسازی، زرتشتیان را هم برخلاف قانون اساسی تنها به جرم این که در خانواده يك مسلمان به دنیا نیامده‌اند، از صحنه بیرون کنند. به ایشان گفتم زرتشتیان به شکیبایی عادت کرده‌اند ولی توقع دارند که بعد از انقلاب بندهای بردگی آن‌ها پاره شود و نه آن‌طور که گاهی این‌جا و آن‌جا دیده می‌شود برگره‌های آن بیفزایند. و ایشان که با تحمل و آرامش خاص خود همه حرف‌های مرا شنیدند، تنها يك جمله آرام‌بخش به من گفتند: انقلاب دوران پر تب و تابي را می‌گذرانند، مطمئن باشید که این انقلاب پیروز می‌شود و در پیروزی انقلاب اسلامی هیچ گروه صادق و سالمی و منجمله زرتشتیان ضرر نخواهند کرد. حرفشان که بدینجا رسید برایمان جای آوردند و در خدمتشان فنجانی چای گرم نوشیدم و با خاطری خوش خدا حافظی کردم.

خاطرات بسیار است : از شهید اسدالله زاده، شهید موسی کلانتری و شهید منتظری یار و دلسوز مستضعفین، باشد در موقعیتی و فرصتی دیگر آن‌ها را هم برایتان خواهم گفت، روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

سال سوم - شماره ۱۰۸
شنبه هفدهم مردادماه ۱۳۶۰